

نیاز آموزش و پرورش به تغییر و تصحیح جهان بینی

روز اول مهر با گربه‌ها کاری نداشته باشید!

یک دانش آموز کلاس اولی برای نخستین بار از خانواده و محیط خانه دور می‌شود و قدم‌های نخست را برای استقلال برمی‌دارد. احساسات تازه‌ای را تجربه می‌کند، با دوستان جدیدی آشنا می‌شود. می‌آموزد که به قوانین و مقررات خارج از خانه، که چندان هم باب میلش نیست، پایبند شود. پس، مدرسه چه بیذیریم یانه، جای چندان خوشایندی نیست.



آذر فخری، روزنامه‌نگار

روز اول مهر، روز سپردن یک کودک معصوم مشتاقی متوجه به مدرسه است. بماند که ما به عنوان والدین، چه طور دل‌مان می‌آید این بچه‌های کوچک را به مکان و آدم‌هایی بسپاریم که خودمان چندان دل‌خوشی از آن‌ها نداریم! بماند که تجربه فرزندان‌مان در روز اول مدرسه، هر چند شاید شبیه تجربه‌های ما نباشند، اما ما با آن‌ها، با حس‌های‌شان و درد تنهایی و حس رهاشدگی‌شان، همراه و هم‌دلیم. اما چه چاره؟ بچه‌ها باید با سواد شوند و فعلا جز این نظام آموزشی، هیچ امکان دیگری برای ما و فرزندان‌مان وجود ندارد.

قصد سیاه‌نمایی نداریم. اصلا چرا وقتی می‌خواهیم از واقعیت‌های موجود حرف بزنیم، ذهن‌مان منتقل می‌شود سمت «سیاه‌نمایی»؟ که اگر «سیاهی» وجود ندارد، پس چرا مدام درباره آن حرف می‌زنیم. می‌نویسیم و دچار سوء تفاهم می‌شویم؟

وقتی دست‌شان را در دست گرفته‌ایم و داریم به سمت مدرسه

می‌رویم، به عنوان پسر و مادر، درست به اندازه خود بچه‌ها، نیازمند دل‌داری و تسلی هستیم! در حرف و شعار، می‌رویم که فرزندان‌مان را به آغوش گرم و پذیرای مدرسه و مکان آموزشی بسپاریم. اما این مکان «آغوش‌نما» تهی از حضور گرم مادر و خواهر و برادر است. مکانی است در آن باید دل‌بند ما، در صفا بیستد و شاهد قتل عام تمام «گره‌به»‌هایی باشد که ورودشان به مدرسه ممنوع است و منظور از «گره‌به» همه آن سرخوشی‌ها و شیطنت‌های کودکانه است که در همان نخستین گام‌ها و ساعات‌ها، نفی و کتمان می‌شوند. تصویر ذهنی او از مدرسه چیست؟ آدم‌های مدرسه شبیه کسانی هستند؟ خودمان چگونه برای اولین بار پای در مدرسه گذاشتیم؟ از آن روز، چه تصویر و خاطره‌ای در یاد داریم؟ با ما چگونه رفتار کردند؟ این خاطره‌های خوب یا بد، تا پایان عمر همراه ما خواهند بود، به‌عنوان اولین تجربه اجتماعی ما، که سهم بزرگی در ساختن شخصیت ما داشته است. بی‌تعارف بگوییم که از این منظر، بدترین خاطره بسیاری از ما، همان روز اول مدرسه و حاضر شدن در کلاس اول دبستان است. خواهی

نخواهی، یاد آن روزها، تا ابد بر شانه روحمان باقی خواهد ماند؛ یک روز ناگوار و تلخ؛ که می‌توانست شیرین و خوش و دوست‌داشتنی باشد، روزهایی که می‌توانست و می‌تواند در تأمین سلامت روانی یک عمر انسان، تأثیر گذار و تعیین‌کننده باشد.

برای این‌که لحظه‌های تکرار نشدنی پایه اول تحصیلی، برای همه ساله‌های امروز و معماران جامعه فردا، باید که وزارت آموزش و پرورش بی‌درنگ تغییر کیفی سه حوزه ۱- محیط و فضای آموزشی ۲- نظام آموزشی ۳- برنامه‌ریزی آموزشی دست به کار شود.

جلوی تجربه هولناک را بگیریم!

از این جا به بعد، رشته سخن را می‌سپاریم به آیتنا جلالی، مربی مهارت‌های زندگی. او که سال‌هاست در زمینه مهارت‌های زندگی و روش‌های درست اجتماعی شدن، به والدین مشاوره می‌دهد، چنین آغاز می‌کند:

فضای مدرسه حتی برای آن دسته از دانش‌آموزان کلاس اولی، که تجربه آموزش در مهد کودک یا پیش‌دبستانی را دارند،

جدیدی آشنا می‌شود. می‌آموزد که به قوانین و مقررات خارج از خانه، که چندان هم باب میلش نیست، پایبند شود. پس، مدرسه چه بیذیریم یانه، جای چندان خوشایندی نیست. اما معمولاً والدین سعی می‌کنند فقط موارد و نکات مثبت موجود در فضای مدرسه را برای دانش‌آموز خود توصیف کنند، و به این نکته توجه ندارند که اگر فقط از خوبی‌های مدرسه تعریف کنند، زمانی که دانش‌آموز با واقعیت‌های ناخوشایند مدرسه مواجه شود، ناراحت و شوکه می‌شود، و ممکن است نتواند با سایر کودکان بازی کند یا با معلم خود ارتباط برقرار کند.

یکی دیگر از مهم‌ترین دل‌شوره‌های دانش‌آموز کلاس اولی، این است با سپرده شدنش به مدرسه، مادرش دیگر به او اهمیت نخواهد داد و او مجبور خواهد بود در خارج از منزل در کلاسی حضور یابد که معلمی ترسناک در آن حضور دارد که به نیازهای او توجهی نمی‌کند.

متأسفانه معمولاً اولین و شاید تنها چیزی که از همان روز اول به دانش‌آموزان آموخته می‌شود حتی والدین هم بر آن تأکید دارند، احترام به آموزگار و حرف‌شنوی و اطاعت از اوست. البته منظور این نیست که دانش‌آموز نباید به معلم خود احترام بگذارد. اما آموزش احترام گذاشتن، تنها بخشی از این جریان است که باید دوطرفه باشد. احترام باید خود به خود ایجاد شود؛ رفتار معلم و اولیای مدرسه با دانش‌آموز باید به گونه‌ای باشد که خود دانش‌آموز با علاقه و احترام، با معلم خود برخورد کند. نه این‌که به‌این‌کار مجبور شود. علاوه بر احترام گذاشتن به معلم و اطاعت از او (که این مسئله جای بررسی دارد!) معاشرت و دوستی با هم‌کلاسی‌ها و دانش‌آموزان دیگر و احترام گذاشتن به آن‌ها هم باید مورد توجه قرار گیرد.

بازی را از یاد نبریم!

آیتنا می‌گوید: بازی برای بچه‌ها، تنها بازی نیست، آن‌ها در بازی، زندگی کردن را می‌آموزند. چه خوب است که بازی، به‌عنوان یک مولفه مهم درسی، مورد توجه آموزش و پرورش ما قرار بگیرد. متأسفانه عناوین درسی و تکالیف دانش‌آموزان آن قدر زیاد است که معمولاً نه فقط بچه‌ها فرصت بازی ندارند که حتی رنگ و ورزش‌شان، صرف دروس دیگر می‌شود! موفقیت در مدرسه تا حدود زیادی به توانایی‌های کودکان

هنگام حضور در مدرسه و در کنار درس خواندن، بازی کردن در سلامت و رشد فیزیکی کودکان تأثیر زیادی دارد. در واقع، بازی بدون ساختار یک راه استثنایی برای افزایش سطح فعالیت بدنی در کودکان است و یک استراتژی مهم در مقابله با معضل چاقی

در برقراری ارتباط با همسالان و بزرگسالان بستگی دارد و بازی، در توسعه مهارت‌های اجتماعی اهمیت زیادی دارد چرا که کودکان در حین بازی کار گروهی، حمایت، مذاکره و توانایی حل و فصل اختلافات را یاد می‌گیرند، هم‌چنین به تمرین مهارت‌های ارتباطی کلامی و غیر کلامی از طریق ایفای نقش و گفت‌وگو می‌پردازند. بچه‌ها در حین بازی و ایفای نقش افراد مختلف در خانه، مدرسه و جامعه، به نیازها و خواسته‌های دیگران پی می‌برند و هنگام بحث در مورد فضا، وسایل و قوانین بازی با دیدگاه‌های مختلف آشنا می‌شوند و تمام این رفتارها رشد مهارت اجتماعی آنان منجر می‌شود.

بازی در رشد عاطفی کودکان از اهمیت خاصی دارد، چرا که به چگونگی ابراز احساسات و غلبه بر آن‌ها کمک می‌کند. هنگام بازی، کودکان، تجربه‌های خودآگاه و ناخودآگاه خود را در مورد احساسات، زندگی و هر آن‌چه که در اطراف آن‌ها وجود دارد، ابراز می‌کنند. معلمی که شاهد چنین ابرازهایی است، قطعاً می‌تواند ارتباط بهتر و موثرتری با دانش‌آموز خود برقرار کند.

در بازی‌های کودک محور، آن‌ها مهارت‌های تصمیم‌گیری، کشف علایق و استعدادهای خود را تمرین می‌کنند. در هنگام حضور در مدرسه و در کنار درس خواندن، بازی کردن در سلامت و رشد فیزیکی کودکان تأثیر زیادی دارد. در واقع، بازی بدون ساختار یک راه استثنایی برای افزایش سطح فعالیت بدنی در کودکان است، و یک استراتژی مهم در مقابله با معضل چاقی. و مهم‌تر آنکه، بازی، شادی ساده‌ای است که بخش ارزشمندی از دوران کودکی را تشکیل می‌دهد.

اشتیاق بیشتر ادامه پیدا کند. تحقیقات نشان میدهد رفتار خوب و پسندیده از خانه و خانواده شروع می‌شود و از این رو ضروری است، والدین احترام گذاشتن به معلمان و هم‌کلاسی‌ها را برای داشتن تجربه مثبت از دوران مدرسه به فرزندان‌شان آموزش دهند؛ رعایت نظافت و بهداشت، آماده کردن کوله‌بستی از شب قبل از مدرسه، چگونگی رفتار در کلاس و احترام گذاشتن به بچه‌های دیگر را باید یاد بگیرند؛ خانواده‌ها باید به فرزندان‌شان متذکر شوند تفاوت‌های زیادی ممکن است از لحاظ شرایط زندگی، مذهب، نژاد و... میان او و هم‌کلاسی‌ها ایشان باشد و حتی ممکن است یکی از دوستان‌شان دچار نقص عضو باشد و آنها حتماً باید از وجود چنین تفاوت‌های احتمالی آگاه شوند؛ اخلاقی جوانمردانه داشتن و همکاری در فعالیت‌های تیمی و گروهی را نیز باید فراگیرند؛ بطور کلی می‌توان گفت اگر می‌خواهید فرزندان‌تان انسان‌هایی با رفتار و اعمال سالم و بهنجار بار آیند، باید سعی کنید خودتان الگوی مناسب و مطلوبی برای آنها قلمداد شوید. به‌عنوان نکته آخر توصیه می‌شود والدین با علاقه و اشتیاق زیاد درباره آنچه قرار است فرزندان‌شان در مدرسه بیاموزند با آنها به صحبت بپردازند و هم‌چنین برای دستیابی به نتیجه بهتر می‌توانند از کمک و مساعدت‌های کارشناسان روانشناس و متخصصین امور تربیتی نیز بهره‌برند.

راه حل تک‌بعدی دردی از ترافیک تهران دوانمی‌کند

سردار تیمور حسینی، رئیس دانشکده علوم و فنون راهنمایی و رانندگی و رئیس پلیس سابق راهور تهران بزرگ در مورد دلایل عدم توفیق اقدامات انجام‌شده برای مدیریت ترافیک در تهران می‌گوید: ترافیک یک مقوله چندبعدی است، بنابراین راه حل تک‌بعدی هیچ دردی از مادوانمی‌کند. برای تولیدهر محصول، ماه‌ها مواد اولیه نیاز داریم و بدون دسترسی به مواد اولیه هیچ تولیدی به سرانجام نمی‌رسد. ترافیک هم یک کالا و محصول است و ترافیک مطلوب و استاندارد، محصول یک فرآیند است که باید مواد اولیه و اقدامات استاندارد باشد. مواد اولیه ترافیک، شامل مهندسی ترافیک، آموزش و اجرای مقررات است. مهندسی ترافیک به معنی زیرساخت است و تمام نیازمندی‌های فنی در حوزه ترافیک را در بر می‌گیرد. شبکه معابر، تابلو و علائم راهنمایی و رانندگی، ITS (سیستم حمل و نقل هوشمند)، خودرو و... همه در حوزه مهندسی ترافیک تعریف می‌شود. وقتی این بخش به خوبی پیاده‌سازی شده، در گام بعد باید به سراغ آموزش کاربران این حوزه برویم و رفتارهای درست ترافیکی را در وجود کاربران (شامل رانندگان خودرو، موتور سیکلت و دوچرخه‌سواران و عابران پیاده) نهادینه‌سازی کنیم. وقتی مهندسی ترافیک و آموزش به درستی وظیفه خود را انجام دهند، ۹۵ درصد از کاربران ترافیک، رفتارهای درست ترافیکی را از خود بروز می‌دهند و برای ۵ درصد کاربر باقی‌مانده نیز که به دلایل مختلف از جمله به سبب مشکلات روحی و روانی ذاتی‌ها، کتابت تخلف‌گرایش داشته و قانون‌گریزند می‌توان اقدامات سلبی را به کار برد.



از فردا تا ۱۵ مهر

ساعت کاری دستگاه‌های دولتی تهران شناور شد

سرپرست اداره کل روابط عمومی و امور بین‌الملل استانداری تهران با اشاره به بخشنامه ریاست جمهوری در خصوص شناور شدن ساعت کاری دستگاه‌های دولتی، گفت: در دو هفته نخست مهرماه تاخیر کارمندان دستگاه‌های دولتی تا ساعت ۹ برای رساندن فرزندان به مدارس، مجاز قلمداد خواهد شد. سیدضیاءالدین صبور در گفت‌وگو با ایستاد افروز: در این بخشنامه اضافه شده است که در صورت لزوم، دستگاه‌های دولتی می‌توانند این تاخیر را به عنوان مرخصی قلمداد کنند.

صبوری تأکید کرد: این بخشنامه شامل بانک‌ها، وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی شهر تهران می‌شود.



۱۱ مهر ماه برگزار می‌شود

برگزاری مرحله دوم «جشن عاطفه‌ها» در مدارس

معاون مشارکت‌های مردمی کمیته امداد امام خمینی (ره) از آغاز مرحله دوم «جشن عاطفه‌ها» در یازدهم مهرماه خبر داد.

علیرضا عسگریان در گفت‌وگو با ایسنا با اشاره به برگزاری مرحله اول «جشن عاطفه‌ها» در ۱۵ و ۱۶ شهریورماه گفت: در مرحله اول نیازهای دانش‌آموزان محروم شامل ایتم، محسین و سایر دانش‌آموزان مستضعف مدارس شناسایی می‌شود و سپس این افراد به خیرین در سطوح مختلف کشور متصل می‌شوند. معاون مشارکت‌های مردمی کمیته امداد اظهار کرد: بخش دوم «جشن عاطفه‌ها» ۱۱ مهرماه و در داخل مدارس اجرا می‌شود و در این مرحله با مشارکت اولیای مدارس و اولیای دانش‌آموزان، خود دانش‌آموزان و کمیته امداد، اتصالی بین خیران و نیازمندان برقرار می‌شود.



هزینه صدور کارت ملی المثنی چقدر است؟

سختگوی سازمان ثبت‌احوال گفت: کسانی که کارت ملی هوشمندشان را به هر دلیلی گم کرده‌اند برای دریافت المثنی آن باید فقط به ثبت‌احوال مراجعه کنند و صدور المثنی کارت ملی هوشمند نیز هزینه‌ای در پی ندارد.

سیدفائله ابوترابی افزود: هزینه‌ای که افراد به ثبت‌احوال برای صدور کارت ملی هوشمندشان پرداخت می‌کنند در ثبت‌نام با اول ۲ هزار تومان، هزینه صدور کارت هوشمند ملی ناشی از فقدان (نوبت اول) ۴۰ هزار تومان، هزینه صدور کارت هوشمند ملی ناشی از فقدان (نوبت دوم) ۷۰ هزار تومان، هزینه صدور کارت ملی هوشمند ناشی از فقدان (نوبت سوم و پس از آن) ۱۰۰ هزار تومان است. وی ادامه داد: تاکنون حدود ۴۶ میلیون نفر تکمیل ثبت‌نام انجام داده‌اند و برای بیش از ۴۳ میلیون نفر کارت ملی هوشمند صادر شده است و حدود ۱۴ تا ۱۶ میلیون نفر هم‌اکنون در انتظار دریافت کارت ملی هوشمند نیز هستند.



فانزه ناصح، دکترای روانشناسی عمومی

مهر را با مهر بانی به کودکان مدرسه‌ای آغاز کنیم

خانواده‌های ایرانی، با هر طبقه اجتماعی و با هر بودجه‌ای در تکاپوی آماده کردن وسایل مورد نیاز فرزندان‌شان هستند. در این میان بعضی از پسران و دختران از زود گذشتن سه ماه تعطیلات تابستانی زانوی غم بغل کرده‌اند و بعد از چند ماه استراحت حسابی تنبل شده‌اند؛ البته بعضی دیگر از آنها هم به شدت دلشان برای درس و مشق و هم‌کلاسی‌هایشان تنگ شده و هر شب به امید آنکه یک شب دیگر به اول مهر و بازگشایی مدارس نزدیک‌تر می‌شود، سر به بالین می‌گذارند و ذوق رفتن به مدرسه و دیدن هم‌شاگردی‌های قدیم و جدیدشان، خواب را از چشمان‌شان می‌رباید. نکته مهم آن است که والدین در هیاهوی آمادگی و تهیه اقلام مورد نیاز مدرسه شکوفه‌های زندگیشان، باید مقدمات دیگری را نیز برای آغاز سال تحصیلی جدید در نظر بگیرند؛ فرزندان ارزشمندترین سرمایه‌های خانواده‌ها و جامعه هستند؛ آنها امیدهای فردی پدر و مادرشان و سرمایه‌های اجتماعی مملکت تلقی می‌شوند؛ از این رو تربیت و پرورش آنان و تحویل انسانی سالم و با فرهنگ به جامعه از وظایف مهمی است که بر دوش والدین است و اصلاح رفتار و انجام این وظیفه